

فیلم برداری در ایران

بقلم آقای ابراهیم مرادی
متخصص فیلم برداری

با آنکه در بسیاری از نقاط عالم مؤسسات فیلم برداری و کارخانهای بزرگ آن موجود است باز عده ممالکی که میتوانند فیلم های تجارتي برای دنیا تهیه نمایند منحصر است بامریکا و آلمان و بعداً فرانسه و انگلیس . ممالک دیگر فقط میتوانند برای کشور خود منحصرأ فیلم تهیه نموده و مطابق عادات و اخلاق ماسی خویش فیلم برداری کنند . یگانه دلیل این عمل آنستکه تهیه فیلم برای بازار دنیا کار بسیار مشکلی است که هم باید سابقه تمام مردم را در نظر گرفت هم فیلم های زیادی که بتواند بازار دنیا را علی التوالی و مدام نگاهدارد از کارخانه خارج کرد و هم مخارج فوق العاده برای برداشتن هر يك دسته فیلم مصرف نمود و این سه امر متحدأ برای تمام کشورهای عالم میسر نیست . مثلاً مردم ژاپون با آنکه سعی دارند در صادرات کشور و صنایع خویش با سایر کشورهای اروپائی رقابت نمایند و شاید تا حدی این منظور آنها پیشرفت کرده است تا کنون يك رشته فیلم از ایشان در سینما های خود تماشا نکرده ایم در صورتیکه ژاپون دارای مؤسسات بزرگ فیلم برداری است و بسیار جدیت میکنند که مگر فیلم هائی در ردیف فیلم های خوب آلمانی و امریکائی تهیه نمایند همینطور ایتالیائی که در نقاشی و صنایع ظریفه سر آمد ملل شناخته شده اند با داشتن مؤسسات بزرگ فیلم برداری و با آنکه دولت ایتالیا توجه مخصوصی به پیشرفت سینمای آن کشور دارد هنوز نتوانسته اند فیلم هائی برای بازار دنیا تهیه کرده و کوچکترین موفقیتی را در این قسمت احراز نمایند .

شاید بعضی خیال کنند که ترکان و مصریان که گاه فیلم های آنان

در تالار های سینمای ما نمایش داده میشود بیقین میتوانند فیلم های تجارتي برای همه کشورها بسازند . اما این خیال درست نیست زیرا فیلم های مصري و ترکی و ارمنی و هندی گذشته از اینکه نمیتوانند فیلم تجارتي محسوب شوند بلکه در ردیف فیلم هایی واقع میشوند که در دنیا ابدأ طرف توجه قرار نخواهند گرفت اگر سبک فیلم های آنها بواسطه بعضی آوازه ها و یا نمایش بعضی از عادات و عموميات طرف توجه ما واقع شود برای آنستکه بآن وضعیت زندگانی و اخلاق و کردار و آواز و تصانیف آنان آشنائیم و یابرائز همجواری و همسایگی که مبادله جنسی را آسان می کنند و نیز در نتیجه اینکه مدیران سینما میخواهند فیلم های رزان و پر منفعت بدست آورده و بیشتر استفاده کنند فیلم های مصري و هندی و ارمنی و ترکی را که در هیچیک از بازار های دنیا خریدار ندارد . قیمت نازل خریده یا گرایه کرده نمایش میدهند و نمایش دهندگان سودهای فراوان از این کاره ببرند . تا اینجا مدلل گردید که فیلم برداری برای تمام دنیا کار آسانی نیست و همه نمیتوانند برای بازار جهان فیلم بسازند .

حال باید دید سایرین چگونه متحمل مخارج گزاف مؤسسات فیلم برداری شد و چطور کارخانه های بزرگ یا کوچک در کشور خویش تأسیس نموده اند . در سایر کشورها اگر نمیتوانند فیلم های خود را برای بسند بازار جهان ترتیب دهند از منابع پر سود آن بی بهره نمیمانند تقریباً احتیاجی هم ندارند که با صرف مخارج گزاف فیلمهای عالم بسند تهیه کرده خود را بزحمت بیندازند وقت بیشتر تلف کنند و در نتیجه معلوم نشود که آیا احراز موفقیت خواهند نمود یا خیر در صورتیکه آنها فقط برای سلیقه ملت خود زحمت کشیده فیلمهای خویش را با عادات و اخلاق و ذائقه آنها جور کرده اطمینان هم دارند که فایده خواهند برد زیرا اگر در ژاپون یا ایتالیا یا سایر نقاط فیلمی تهیه شود که توده بسند باشد تهیه کنندگان مطمئن هستند که دو نلث از نفوس و اهالی بتماشای آن فیلم رغبت خواهند نمود و ورودیه این دو نلث جمعیت بعد اقل يك رقم بزرگی را تشکیل خواهد

داد که برای مخارج کارخانه و حقوق بازیگران و قیمت مواد اولیه و استهلاک سرمایه صاحب کارخانه کفایت میکند و سود فراوان نیز دارد.

بیاد دارم که رهنمای مادر برلین نگارنده را شبی یکی از تماشاخانه ها هدایت نمود و اظهار میداشت که دو سال متوالی است همین بیس را نمایش میدهند و من هنوز برای تماشای آن فراغتی پیدانکرده ام برسیدم چطور ممکن است که بیس را دو سال متوالی نشان بدهند و چگونه مردم رغبت میکنند که بتماشای یک بیس دو ساله بروند. در جواب گفت باور کنید هنوز بیشتر از نصف مردم برلین هستند که این نمایش را ندیده اند و منتظرند فراغتی حاصل شود تا بتماشای آن اقدام کنند. راست هم میگفت و قتی که به تماشاخانه رسیدیم ازدحام کثیری از مردم و زن را جلو تماشاخانه دیدیم که منتظر بلیط بودند و چون در آنشب مانده بودیم بلیطی تهیه کنیم ناچار فردا بکنفرانس برای تهیه بلیط مامور کردیم و بالاخره بعد از یک هفته توانستیم نمایش برویم انصافاً هم باین رحمت و انتظار می ارزید زیرا بقدری این نمایش مجلل و آبرومند و در نهایت زبر دستی بمعرض تماشا گذاشته میشد که از هر حیث شایسته تمجید بود. غرض از نوشتن این داستان آنستکه آنهائیکه برای داخله کشور خود فیلم تهیه میکنند چندان محتاج بازارهای خارجی نیستند مثلاً در شهر برلین چهار میلیون ج هیت است و از این چهار میلیون اقلاً دو میلیون نفر در بودجه ماهیانه خود مبالغی برای مخارج سینما منظور کرده اند و چنانچه قیام مناسبی برداشته شود قطعی است که از تماشا صرف نظر نخواهند کرد و چون مدت مدیدی لازم است تا آنهمه مردم بتماشای فیلمی در یک سینما موفق شوند لذا از یک فیلم چندین کپی چاپ میکنند و میان تماشاخانه ها بخش مینمایند در سایر شهرها هم به همین اندازه بیشتر یا کمتر مشتریان سینما موجود است و مجموع عایداتی که از همه مشتریان کشور بدست میآید رقم بسیار بزرگی را تشکیل میدهد که مؤسسه فیلم برداری را از همه جهت مستغنی میسازد در بسیاری از کشورها دولت در امور سینما مداخله دارد مخصوصاً برای تبلیغات و جلب جهانگردان و تعلیم و تربیت بودجه های گزافی

همه ساله صرف بیشترت سینما میکنند بلکه بعضی از مؤسسات فیلم برداری را دولت مستقیماً اداره میکند یا تحت سرپرستی دولت قرار گرفته است مثلاً مؤسسه (اوقاف) که زرگترین مؤسسات فیلم برداری آلمان و در ردیف هولبوود اروپا بشمار میرود متعلق بیک عده سهامداران و سرمایه داران بوده ولی فعلاً دولت آلمان سهام عمده آنرا خریداری کرده و در تحت نظر وزارت تبلیغات اداره میشود. مؤسسه (لهر فیلم استله) در آلمان از طرف وزارت معارف آنجا تأسیس گردیده در سال سی میلیون مارک بودجه دارد و موظف است که منحصرأ فیلمهای علمی و تربیتی (۱۶ میلیمتری) ترتیب دهد.

از سابق دولت ایتالیا مؤسسات سینمایی علمی مفصای در شهر رم تأسیس کرده حتی از تمام دول برای اشتراك در اجتماع علمی آن دعوت نموده مقرراتی بین المللی برای فیلم های تربیتی و معافیت آنها از حقوق گمرکی و تسهیلات مبادئه فیلم و غیره وضع کرده که دولت ایران هم در این اجتماع نماینده داشته و مقررات آنرا پذیرفته است اخیراً دولت ایتالیا در امور فیلم برداری های متداول هم دخالت کرده حتی چندی پیش در جراید منتشر شده است که پسر موسولینی يك رشته فیلم را بشخصه اداره مینماید.

در روسیه تمام مؤسسات فیلم برداری مانند سایر تجارت آن کشور رسماً بر عهده دولت است.

در ژاپون هم اخیراً دولت کارهای فیلم برداری را در دست گرفته است. در فرانسه، در انگلستان، در لهستان، در چکوسلواکی و ترکیه هم دولت نظری در امور فیلم برداری دارد.

فیلم برداری در ایران - در کشور، چندین بار اقداماتی برای فیلم برداری و تشکیل مؤسسات آن شد ولی اگر بادیده انصاف نگاه کنیم خواهیم دید که پیشرفتی در امور آن حاصل نگردید.

چهار نوبت در طهران فیلم هائی از روی بیس برداشته شد که دونوبت آن بوسیله مسیو اگانیان و دونوبت بوسیله نگارنده عملی گردید. فیلم هائی را که

اکانیا برداشت عبارت از دو برده (آبی رابی) و پنج برده (حاجی آکتر سینما) بود. فیلمهایی را که نگارنده تهیه نمودم عبارت از داستان (انقام برادر) که فقط ۷۰۰ متر آن فیلم برداری گردید و قیه را بواسطه بیش آمد بعضی گرفتاریها نا تمام گذاشته ام و در دفعه دوم داستان (بلهوس) ساخته ام که در ۲۸۰۰ متر و از ۷ برده مرکب بود.

فیلم هائی که تا کنون برداشته شده دارای چندین تقیصه مهم بوده که کمی سرمایه در رأس همه آنها قرار داشت. مخارج آبی رابی را که تقریباً هفتصد تومان تمام شده سینما مایک برداشته منافع زیادی هم از نمایش آن عاید او نگردید. این فیلم دارای يك سوژه مخصوص نبود اگر چه روش (بات باتاشو) (کهن گلی) (لورل هاروی) و امثال آنها را میخواستند تقلید کنند ولی بهیچوجه شباهتی به يك فیلم حسابی نداشت. حاجی آقا آکتر سینما هم دارای موضوع جالبی نبود و با اینکه در کشور ما هنوز فیلم برداری شیوع نیافته هزار گونه موضوع و داستانهای بکر از زندگانی ایرانی در دست است که ممکن بود برای تهیه فیلم از آنها اقتباس شود در عوض این بیس دارای يك موضوع نامعین و نامناسب بود صرف نظر از قسمت عکاسی و صنعت فیلم که معلوم میداشت نه دارای دستگاه مناسب اینکار بودند و نه سابقه مخصوصی برای عکاسی داشتند. برای این فیلم روی هم رفته یک هزار و دویست تومان خرج کرده بودند و کمتر از این مقدار عایدات داشت.

فیلم بلهوس که داستانی درام از زندگانی ایرانی و عدم تجانس در عمل ازدواج را انتقاد کرده و مفهوم داستان آن عبارت بود از اینکه هر کسی باید با همجنس خود ازدواج کند و مفاد این بیت را می پرورانید:

کبوتر با کبوتر باز با باز
کند همجنس با همجنس پرواز

اگرچه دارای موضوع مناسب و مرتبی بود ولی تقریباً ۲۵ درصد عکاسی آن خراب ۵۰ درصد متوسط و ۲۵ درصد خوب بود بازیگران آن باستانی چهار نفر که دو نفر «رل» عمده و دو نفر «رلهای» کوچکتری داشتند و میتوان گفت که

وظیفه خود را صحیحاً انجام داده اند بقیه تماماً بدبازی کرده اند. برای این فیلم با تمام مخارج لابراتوار و غیره تقریباً پنجهزار تومان خرج شد و عایدات آن مجموعاً با سهم صاحبان سینما بالغ بر سه هزار تومان گردید و شرکاء عموماً متضرر شدند و علل عمده این خسران امور ذیل بود:

اولاً برداشتن این فیلم بواسطه فراهم بودن وسایل بیش از مدتی که لازمه تهیه فیلم های معمولی است طول کشید و قریب بازده ماه بیهوده وقت تلف گردید و مخارج زیادی از قبیل کرایه و حقوق مستخدم و غیره اضافه بر آنچه لازم بود بر مؤسسه تحمیل شد ثانیاً قبل از نمایش فیلم بلهوس حاجی آقا آکتور خود باعث بدنامی فیلمهای ایرانی گردیده و از رواج آن کاسته بود. ثالثاً فیلم دختر لر چون ناطق و بزبان فارسی بود مردم بدیدن آن رغبت فراوان کردند (چنانکه مؤسسه فیلم برداری هندی تشویق شد و به تهیه فیلمهای غیر مهمی مانند شیرین و فرهاد فردوسی، چشمان سیاه برداخت) و بالتیجه از تماشای فیلم صامت بلهوس خریداری نمودند این حال هیچ فیلم صامتی جز «بن هور» مانند قیام و الهوس صاحب عایدی نبود. با قرائت این گزارش خوانندگان میتوانند حدس بزنند که چرا فیلمهای ایرانی متروک شد و دنبالش را کسی نگرفت معیناً فکر تهیه فیلمهای فارسی هنوز از سرها نیفتاده است بخصوص که وزارت معارف و اداره شهر داری نیز اولی برائش تشکیل سینماهای علمی برای محصلین و دومی در نتیجه ایجاد آموزشگاه آرتیستی جهات پیشرفت اینکار فراهم آورده اند و علاوه بر این در آموزشگاههایی که بکن بوسه نگارنده و دیگری بوسیله سیوا و گامیان تشکیل شده بود بازیگرانی با استعداد پیدا شدند که اگر چه در بادی امر نمیتوانند مانند بازیگران درجه اول از عهده انجام وظایف برآیند ولی بزودی در ردیف بازیگران خوب قرار میتوانند گرفت و حتی در فیلم بلهوس یکی از بانوان ایرانی که عهده دار رق (زهرت) بود بقدری استعداد خرج داد که با چندین بار بازی ممکن بود یکی از بهترین بازیگران شود.

بنابراین مابآینده فیلم برداری و صنعت سینما در ایران امید داریم و لاشک عنقریب در این راه گامهای بلند برداشته خواهد شد.